



جمهوری پرتغال

República Portuguesa

تالیف :

احمد علامه فلسفی

By: Ahmad Allameh Falsafi

www.ketab.ir

سرشناسه	:	علامه فلسفی، احمد، ۱۳۳۰-
عنوان و نام پدیدآور	:	جمهوری پرتغال / República Portuguesa = تالیف احمد علامه فلسفی.
مشخصات نشر	:	تهران: فراروانشناسی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۹۰ص: مصور، جدول، نقشه.
شابک	:	978-600-6170-93-0
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	پرتغال
موضوع	:	Portugal
موضوع	:	پرتغال -- تاریخ
موضوع	:	Portugal -- History
موضوع	:	پرتغال -- جغرافیا
موضوع	:	Portugal-- Geography
موضوع	:	پرتغال -- زندگی فرهنگی
موضوع	:	Portugal-- Intellectual life
موضوع	:	پرتغال -- روابط خارجی -- ایران
موضوع	:	Portugal -- Foreign relations -- Iran
رده بندی کنگره	:	۵۱۷DP/ع ۸ج ۸۶۲
رده بندی دیویی	:	۹/۹۶۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۱۳۱۷۸۴

شناسنامه کتاب	
نام کتاب	 جمهوری پرتغال
مؤلف	 احمد علامه فلسفی
ناشر	 انتشارات فرا روان شناسی
حروفچینی	 مهدی دانایی
قیمت	 ۳۰ هزار تومانی
شمارگان	 ۱۰۰۰ نسخه - قطع وزیری ۱۶ صفحه
چاپ و صحافی	 پیشگام
نوبت چاپ اول	 سال ۱۳۹۸
شابک	 ISBN 978 - 600 - 6170 - 93-0
	www.fararavanshenasi.ir Email: falsafi557@yahoo

به نام خدا

مقدمه

کشور پرتغال از مشرق و شمال به اسپانیا محدود است. هیچ گونه مرز طبیعی عمده‌ای بین دو کشور وجود ندارد. مساحت پرتغال ۹۲،۲۱۲ کیلومتر مربع و با جمعیتی بالغ بر ۱۱ میلیون نفر و زبان رسمی آن پرتغالی است. طول این کشور، از شمال به جنوب، ۶۳۰ کیلومتر و حداکثر عرض ۲۱۷ کیلومتر است. طول خطوط ساحلی آن، در معرب از رود مرزی مینیو در شمال تا تخته‌سنگ‌های ساحلی و پرتگاه‌های مرتفع دماغه سنن وینسنت ۶۴۰ کیلومتر است، و در جبهه جنوبی، از این دماغه تا دهانه رود گوادیانا ۱۶۰ کیلومتر است. کلیه بندرگاه‌های عمده در مغرب کشور قرار دارند.

جزایر مادیرا و آزور در اقیانوس اطلس به ترتیب حدود ۱۰۰۰ کیلومتر و ۱۲۰۰ کیلومتر در سمت جنوب غربی سرزمین اصلی جای دارد. دهه‌های مهم پرتغال، تاگوس (ریو ترزو)، دورو، و گوادیانا و بلندترین نقطه سرزمین اصلی قله استرلا یا ۱،۹۳۳ متر ارتفاع است. پرتغال آب و هوایی معتدل دارد که در شمال مرطوب‌تر و در جنوب و نواحی دور از دریا خشک‌تر و گرم‌تر است.

مسلمانان در سده هشتم میلادی به سرعت مناطق را به اسپانیا و پرتغال امروزی را تشکیل می‌دهند به دست آوردند و در سال ۷۱۱ توانستند وارد شبه‌جزیره ایبری شوند و تا ۷۱۶ تقریباً بیشتر آن به جز مناطق کوهستانی استوریاس و دره‌های جنوبی‌کوه‌های پیرنه را در کنترل خود گرفتند. همچنین آنان تا سال ۷۳۲ میلادی توانستند تا عمق خاک فرانسه نفوذ کنند اما شارل مارشل زانست آنان را طی نبردی در تور به عقب برند. در ۷۵۶ عبدالرحمان یکم دودمان امویان را در کوردوبا پایه نهاد که به تدریج به خلافت کوردوبا تبدیل شد. در این مدت مسیحیان که در شمال شبه‌جزیره در محاصره قرار گرفته بودند شروع به مقاومت در برابر مسلمانان کردند.

مداخله مرابطان (۱۰۸۶-۱۱۴۵) و موحدون (۱۱۴۵-حدود ۱۲۳۰) از قدرت‌های اسلامی شمال آفریقا سبب شد تا حکومت آندلس تا چند سده دیگر به حیات خود ادامه دهد و مسلمانان اسپانیا بهای آن را با پذیرش فرمانروایان که منافع اصلیشان در قلمروهای شمال آفریقا بود و نه آندلس پیداختند. با مرگ محمد الناصر، خلیفه موحدون در ۱۲۱۳ و بروز اختلافات و تفرقه و جنگ قدرت بر سر جانشینی او بین مسلمانان، باعث شد که دیگر استحکامات خود را نتوانند باز سازی و احیا کنند و هنگامی که مسیحیان به رهبری فردیناند سوم، پادشاه کاستیا و لئون بار دیگر شروع به پیشروی کردند، مسلمانان آندلس و مدعیان خلافت موحدون به دلیل جاه طلبی‌ها، تفاق و تفرقه افکنی‌های درون خود نتوانستند در برابر آنان مقاومت نمایند و شکست خوردند. کوردوبا در ۱۲۳۶ و سیبا در ۱۲۴۸ به دست مسیحیان افتاد و خامی یکم آراگون در ۱۲۳۰ مایورکا و

در ۱۳۳۶ والنسیا را فتح نمود. در غرب نیز پرتغالی‌ها تا ۱۲۵۰ موفق شدند که اداره آلواریو را در اختیار خود بگیرند.

در ۱۹۳۲ ژنرال «آنتونیو اولیویرا سالازار» یک حکومت دیکتاتوری را که از فاشیسم ایتالیایی الهام می‌گرفت در پرتغال برپا داشت. دیکتاتوری سالازار مانند دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا متکی به ارتش و اقتدار اخلاقی کلیسای پرتغال بود. سالازار هرگونه تحول و پیشرفت اجتماعی در درون کشور را سد کرد و از سوی دیگر جنبش‌های ملی در مستعمرات پرتغال را سرکوب کرد. او پس از سقوط فاشیسم در آلمان نیز توانست بر مسند قدرت باقی بماند و آمریکا و حتی اروپای زخم دیده از فاشیسم، از بیم نفوذ کمونیست‌ها در پرتغال و اسپانیا، این دو ژنرال متحد هیتلر را حمایت کردند تا بر قدرت باقی بمانند و با موج سقوط فاشیسم از صحنه حذف نشوند. آنها در پیج به دیکتاتورهای مصلح پرتغال و اسپانیا مشهور شدند. البته روی امواج خونی که در هر دو کشور از انقلابیون و نیروهای مرفعی براه انداخته بودند. سالازار، دیکتاتور پرتغال، به همراه ژنرال فرانکو در اسپانیا، آخرین بازمانده‌ها دوران سلطه فاشیسم بر بخش مهمی از اروپا بودند.

جنگ‌های استعماری پرتغال در سه منطقه شامل آنگولا، گینه پرتغالی و موزامبیک خلاصه می‌شود ولی با این حال، برخی عقیده دارند که این جنگ‌ها را باید جنگ استقلال آنگولا، جنگ استقلال گینه بیسائو و جنگ استقلال موزامبیک دانست.

در آوریل ۱۹۷۴ این جنگ با کودتای نظامی به پایان رسید. بیرون رفتن پرتغال از مستعمره‌هایش منجر به خروج صدها هزار نفر از شهروندان پرتغالی در دهه ۱۹۷۰ میلادی به چین پرسنل نظامی اروپایی، آفریقایی و قومی مخصوص از سرزمین‌های سابق پرتغال و کشورهای جدید و مستقل آفریقایی منجر شد. این مهاجرت به عنوان یکی از بزرگترین مهاجرت‌های مسالمت آمیز در تاریخ جهان محسوب می‌شود.

مستعمره‌های قبلی پرتغال بعد از استقلال با مشکلاتی جدی روبرو شدند. در جنگ‌های مخرب و خشونت‌آمیز در آنگولا و موزامبیک که چندین دهه طول کشید، میلیون‌ها نفر کشته شدند و تعداد زیادی پناهندگان آواره را ببار آورد. رکود اقتصادی اجتماعی، سلطه گری، فقدان دموکراسی و دیگر حقوق شهروندی و سیاسی ابتدایی، فساد، فقر، نابرابری و برنامه‌ریزی مرکزی باعث فرسایش مدنیت انقلابی اولیه مردم شد. سطحی از نظم اجتماعی و توسعه اقتصادی مشابه آنچه که در دوران حاکمیت پرتغال یا در زمان جنگ‌های استعماری وجود داشت، به هدف سرزمین‌های مستقل تبدیل شد.

نخست وزیر منتخب مردم پرتغال (آنتونیو کوشتا) «António Costa» در تلاش است تا پس از سال‌ها ریاضت اقتصادی شدید، ورق را برگرداند و به مقصدی برای سرمایه‌گذاری و نوآوری تبدیل شود.

تاریخچه روابط ایران و پرتغال استقرار پرتغالی‌ها در هندوستان در سال ۱۵۰۵ میلادی و متعاقباً تسلط آنها بر جزیره هرمز واقع در خلیج فارس موجب برقراری اولین تماس‌ها بین شاه اسماعیل صفوی بنیانگذار سلسله صفویه و آلفونسودو آلبوکرک نایب السلطنه پادشاه پرتغال در هندوستان گردید. اولین تماس بین

ایران و پرتغال در سال ۱۵۰۷ میلادی با ارسال پیامی نظامی و تهدید کننده از سوی آلبوکرک به شاه اسماعیل صفوی آغاز شد.

بعد از حضور پرتغالیها در هرمز از سال ۱۵۰۷ با تصرف و تسلط آنان بر آن جزیره، مهمترین واقعه تاریخی در روابط ایران و پرتغال، باز پس گیری هرمز توسط شاه عباس صفوی بعد از صلح با ترکان عثمانی در سال ۱۶۲۲ بود. با باز پس گرفتن هرمز روابط دو کشور تیره گردید. در قرن هجدهم حضور پرتغالی ها در ایران محدود به دیر (کلیسا) اصفهان و دفتر نمایندگی این کشور در بندر کنگ بود. در سال ۱۷۱۵ مجدداً عملیات های مقیم مسقط در کنگ پیاده شدند و دفتر نمایندگی پرتغال را به آتش کشیدند و به قلمرو شاه ایران تجاوز کردند. به همین دلیل مجدداً بین دربار ایران و پرتغال علیه دشمن مشترک طرح دوستی و اتحاد ریخته شد. این اتحاد در سال ۱۷۱۹ با حمله مشترک به قلعه های اعراب در جنوب خلیج فارس عملی گردید ولی نتیجه ای عاید آنها نشد. هجوم افغانه به ایران در زمان شاه سلطان حسین صفوی و اشغال اصفهان در سال ۱۷۲۲ به حضور پرتغالی ها در ایران به طور موقت پایان داد تا اینکه در سال ۱۷۲۹ که شاه طهماسب دوم موفق به احیای تاج و تخت صفویه گردید، مجدداً سروصداهایی از طرف پرتغالی ها برای تصرف مجدد هرمز و بحرین را شنید که ناکام و نافرجام ماند. بدین ترتیب پرتغالی ها از سال ۱۷۳۰ به بعد سفر به خلیج فارس و ایران را متوقف کردند و نماینده پادشاه پرتغال در ایالت هند به جانشین خود اندرز داد که در ایران بجای نام پرتغال دیگر هیچ چیزی ندارند. لذا رابطه پرتغالی ها با ایران پایان می یابد و کلیسای اصفهان که در حقیقت سالها حکم سفارت پرتغال در ایران را داشت نیز بسته می شود.

روابط دوجانبه سیاسی معاصر کشور پرتغال در سال ۱۹۵۰ شمسی در سالهای پایانی حکومت استبدادی سلازار بر این کشور با افتتاح سفارت در تهران اقدام به برقراری روابط سیاسی با دولت ایران کرد. دولت ایران نیز همزمان سفیر خود در فرانسه را بعنوان سفیر اردیبه در پرتغال معرفی نمود.

با انقلاب میخکهای سفید پرتغال در سال ۱۹۷۴ و انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ که به حکومت های استبدادی این کشورها پایان بخشیدند، روابط دو کشور وارد مرحله نوین رسید لذا جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۵) سفارت خود را در لیسبون افتتاح نمود و در سایه این اقدام، دو کشور فصل جدیدی را در روابط و مناسبات تاریخی و دیرینه خود گشودند. از آن زمان به بعد راه تقویت مناسبات و همکاریها هموارتر گردید و دو کشور با کمک سفارتخانه های خود طرح ها و ابتکاراتی را در جهت توسعه و تحکیم روابط فی مابین چه در ابعاد دو جانبه و چه در زمینه های منطقه ای و بین المللی معمول داشتند.

... اینک کتابی را که تحت عنوان « جمهوری پرتغال » پیش رو دارید، مولف تلاش خود را در حد مقتضی برای تدوین اجمالی آن بکار برده است تا این اثر به نحو مطلوب به زیور طبع آراسته شود تا مورد استفاده علاقه مندان برای آشنایی با این کشور، قرار گیرد.

با سپاس و احترام

احمد علامه فلسفی

فهرست عناوین کتاب

مقدمه	۳
فصل اول - جغرافیا	۱۳
(موقعیت جغرافیای - جغرافیای طبیعی - جغرافیای انسانی)	
فصل دوم - تاریخ	۱۵
(تاریخ باستان - معاصر - وقایع مهم تاریخی - فهرست رهبران کشور)	
فصل سوم - فرهنگ	۳۳
فصل چهارم - اوضاع اقتصادی	۶۹
فصل پنجم - ساختار سیاسی و حکومتی	۷۱
فصل ششم - روابط با جمهوری اسلامی ایران	۸۷
فصل هفتم - جاذبه های گردشگری ، کاخ ها و موزه ها	۹۷